



شماره یازدهم سال هفدهم
تابستان ۱۴۰۳

استا

نشریه داخلی انجمن زرتشتیان کرمان

ماهنامه اشا



جشنی مهرگان و شروعی پاییز بر همه خجسته بوت
JASHNI MEHREGAN O SHORI PAIZ BAR HAMA
KHOJASTA BOT

جشن مهرگان و آغاز فصل پاییز بر همگان خجسته باد

فهرست

سخن نخست.....صفحه ۱-۲
 آتشکده کرمان ۱۰۰ ساله شد.....صفحه ۳
 می توانید کارآفرین باشید.....صفحه ۴
 فراگیری گویش بهدینی کرمانی ۲.....صفحه ۵-۶
 کودکانه صفحه ۷
 زرتشت بهرام پژدو (شاعر زرتشتی).....صفحه ۸
 خاطرات.....صفحه ۹
 رویداد های جامعه زرتشتی کرمان.....صفحه ۱۰-۱۴

همکاران این شماره:

آرش ضیاتیبری (سردبیر)

ماندانا طهمورسی (ویراستار)

آرمیتا فرهمند

میترا خسروی

مرجان فرهمند

آبتین بختیاری

آرین فروهری (هماهنگ کننده)

کیوان بختیاری (طراحی داخلی)

رامتین کاویانی (طراحی جلد)

رکسانا کیومرثی

روشنک کیومرثی

هلیا گشتاسیان

هلنا گشتاسیان

با درود و احترام خدمت خوانندگان ارجمند ماهنامه اشا، این شماره از نشریه با تغییراتی همراه بود که اکنون به آگاهی شما عزیزان می رسانم. چندماه پیش جناب آقای فرزاد نیکدین از سردبیری ماهنامه اشا کناره گیری کردند. ایشان سالهاست که در زمینه های مختلف فعالیت دارند و از زمانی که من فرزاد را می شناسم به جامعه خدمت کرده و حامی جوانان است.

مهندس نیکدین در لحظه های سخت، همیشه در کنار انجمن بوده و بی هیچ چشمداشتی مسئولیت هایی را به عهده گرفته که جای تقدیر دارد. به هر دلیل ایشان بعد از چاپ ماهنامه قبلی، از گروه اشا جدا شدند و در جلسه ای که خورداد ماه برگزار شد، به لطف هموندان هیئت تحریریه، سردبیری ماهنامه به اینجانب پیشنهاد گردید و من هم با کمال افتخار و به دو دلیل پذیرفتم. اول اینکه ماهنامه اشا توسط روانشاد مهندس سیروس فروهری در آبانماه سال ۱۳۸۰ خورشیدی بنیانگذاری و منتشر شد و من برای اولین بار مقاله هایم را در همین ماهنامه به چاپ رساندم و دوم اینکه در انجمن گردش هجدهم با ایشان همکار بودم و حمایت مهندس فروهری از من در زمینه موقوفات و سایر فعالیت ها باعث شد که دانایی و توانایی ام افزون گردد و اکنون که می توانم وظیفه خود می دانم که با همکاری در هیئت تحریریه ماهنامه اشا یاد این بزرگمرد را زنده نگاه دارم.

در جلسه ای که با هموندان گروه داشتیم، تصمیم بر این شد که تا پایان امسال (۱۴۰۳) در هر فصل سال یک شماره را منتشر کنیم و بخشهای مختلفی را برای آن در نظر گرفتیم که اکنون ملاحظه و مطالعه میفرمائید. نکته ای که باید یادآوری گردد، صاحب امتیاز این نشریه، انجمن زرتشتیان کرمان است و مطالب آن در رابطه با اخبار و مقاله های مرتبط با جامعه زرتشتیان می باشد.

ما در تلاش هستیم که مهمترین رویدادهای جامعه زرتشتی و بویژه زرتشتیان کرمان را در هر شماره به آگاهی شما عزیزان برسانیم، در ضمن شما خوانندگان ارجمند هم می توانید مقاله ها و مطالب مرتبط و هرگونه پیشنهاد را به یکی از اعضای هیئت تحریریه تحویل نمایید.



در این چند ماهی که گذشت رویدادها و مناسبت هایی داشتیم که در موضوع دیگر، کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان است. خیلی خوشحالیم از بخش خبر، گزارش کامل آن را میخوانید، اما لازم میدانم چند مورد را اینکه تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان عزیز کرمانی اینگونه با جدیت و جداگانه توضیح دهم. شوربختانه جامعه زرتشتی، سه نفر از پشتکار در برپایی مراسم تلاش می کنند و برای ما همکیشان، شادی و پژوهشگران و نام آوران جامعه خود را از دست داد. ابتدا در اردیبهشت آرامش را به ارمغان می آورند. تدارک این همه برنامه های متنوع و پشت ماه، روانشاد موبد دکتر کورش نیکنام که نویسنده ای توانا و پر کار بود سر هم، بسیار سخت و زمان بر است، که با کوشش جوانانمان برگزار می و آثار زیادی از خود به یادگار گذاشت که عبارتند از: آیین اختیار، از گردد. یکی از این برنامه ها که برای اولین بار اجرا شد، اردوی دهه شصتی نوروز تا نوروز، اندرنامه زرتشت، کنکاشی بر زندگی و اندیشه زرتشت، ها بود. در این اردو، همکلاسی های ۳۰ سال پیش یکبار دیگر گردهم یادگار دیرین، گات ها نغمه های ایران باستان، خوانش گات ها با آمدند و با برنامه های لذت بخشی که جوانان تدارک دیده بودند، یک تنبور، زرتشت و مزدیسنان و گل بانو، که همگی با ادبیات خاص ایشان خاطره بیادماندنی را ثبت و به یادگار گذاشتند. و بسیار روان و گویا به نگارش درآمدند.

دوم در خوردادماه، روانشاد بانو توران شهریاری، که ایشان نیز نویسنده و شاعری توانا بود. از آثار این بانو، گوهر، نگار زن و دیوان توران است که یاد او را زنده نگاه خواهند داشت. و سوم در امرداد ماه، روانشاد شهریار هیربد که ایشان نیز یکی از نویسندگان نیک جامعه زرتشتی بود و کتابهای: پیوند مهرگان، داستان رز و دشت سپیدان، گوهر پاک و خاطرات رستم شاپور مهر، از او به یادگار ماند. یادشان گرامی و بهشت برین جایگاهشان باد.

مطلب بعدی، سپاسگزاری از موسسه خیریه اردشیر همتی در رابطه با حمایت از جهان دیدگان زرتشتی کرمان است. همانگونه که می دانید، چند سال پیش با همکاری انجمن زرتشتیان و موسسه خیریه خدادادمهرایی و موسسه خیریه اردشیر همتی، در ساختمان خداداد مهرایی در مقابل کوچه آتشکده، مرکزی به نام خانه همت و مهر انجمن زرتشتیان کرمان راه اندازی شد که چندی بعد به ساختمان داخل نیایشگاه شاه ورهرام ایزد منتقل گردید و با نام خانه همت به کار خود ادامه داد. باز هم به لطف هموندان ارجمند موسسه خیریه اردشیر همتی این مرکز در تیرماه امسال به طبقه همکف موسسه منتقل شد و به نام خانه گوهر همتی پذیرای بزرگان جامعه زرتشتی گردید.

نویسنده: آرش ضیائبری

سالی تحصیلی تاج بر همی دانش آموزای خَش ا
آموزگارای گرامی خجست بوت.

sA:li: tahsi:li: tA:ja ber hamaye
dA:nəfA:mo:zA:ye xaf o
A:mo:zgA:rA:ye gerA:mi: xojasta
bo:t

سال تحصیلی جدید بر همه دانش آموزان خوب /
عزیز و آموزگاران گرامی خجسته باد .



محل برای اقامت و استراحت استفاده کنند. ابتدا پذیرشگاه زاهدان را ساخت و سپس در کرمان نصف این باغ را که در محله زرتشتیان قرار داشت خریداری کرد اما بدلیل اینکه قنات آب از نیمه دیگر باغ که سهم دینیار موبد رستم مرزبان قناتگستانی که به رحمت خدا رفته بود عبور می کرد، با مروارید و شیرین، خواهران دینیار صحبت نمود تا نیمه دیگر باغ را هم خریداری کند و خواهران دینیار که تنها ورثه او بودند موافقت کردند که نیمه دیگر باغ را اهداء کنند به این شرط که در سهم برادرشان آتشکده ساخته شود و آتش ورهرا م کرمان به این مکان منتقل گردد. بنابراین با موافقت جمشید خدارحم این اتفاق خوب افتاد و در قسمت بالا پذیرشگاه و در قسمت پایین، آتشکده زرتشتیان کرمان به نام دینیار موبد رستم مرزبان ساخته شد و این سه بزرگوار، مروارید و شیرین و جمشید خدارحم نرسی آبادی کل شش دانگ این مجموعه را به زرتشتیان کرمان تقدیم کردند و با همانگی پنج موبد کرمانی و قناتگستانی به نامهای موبد بهرام اسفندیار آریایی، موبد نوشیروان جهانگیر اشیدری، موبد گشتاسب جهانبخش، موبد بهمن جهانبخش و موبد اردشیر سهراب، آتش ورهرا م زرتشتیان کرمان از آتشکده قناتگستان به آتشکده جدید کرمان منتقل و در روز سروش ایزد مهرماه سال ۱۳۰۳ خورشیدی در این مکان تخت نشین شد. روانشان شاد و یادشان گرامی باد.

نویسنده: آرش ضیائبری

سروش ایزد مهرماه سال ۱۳۰۳ خورشیدی آتشکده جدید زرتشتیان کرمان در همین مکان فعلی پذیرای نیایشگران زرتشتی گردید. همگی میدانیم که آتشکده ها محلی برای ستایش و نیایش اهورامزدا و سپاسداری از نعمت های یگانه دانای بزرگ هستی بخش و علاوه بر آن محلی برای دیدار و همزوری پیروان این آیین اهورایی است. حدود یکصد و پنجاه سال پیش آخرین محله زرتشتیان کرمان شکل گرفت. این محله بیرون از حصار و دروازه شهر و در زمینهایی معروف به اراضی وکیل الملک احداث شد. محدوده آن از میدان مشتاق و از خیابان زیرسف تا چهار راه اول و بعد سمت چپ تا ورودی خیابان دادبین و از خیابان دادبین تا نزدیک نیایشگاه شاه ورهرا م ایزد و از قبل از نیایشگاه تا میدان مشتاق ادامه داشت. در سال ۱۲۴۰ خورشیدی محل فعلی آتشکده کرمان، عمارت و باغ شخصی وکیل الملک و از املاک ایشان بود. زمانیکه روانشاد مانکجی هاتریا برای بار دوم به کرمان آمد، مدتی در این باغ میهمان او بود اما فکر نمی کرد که این مکان ۶۰ سال بعد به آتشکده تبدیل شود. زمانیکه زرتشتیان زمینهای این منطقه را خریداری کردند و آخرین محله زرتشتیان کرمان به وجود آمد، آتشکده محله شهر که در زمان صفویه ساخته شده بود و در اوایل قاجاریه توسط مانکجی هاتریا بازسازی گردید، تنها آتش ورهرا م شهر کرمان را در خود فروزان داشت. در اواخر همان دوران، آتش ورهرا م به روستای موبد نشین قناتگستان منتقل شده بود و زرتشتیان کرمان از آتشکده محله دولتخانه استفاده میکردند. چند سال پس از ساخت مدرسه ملی زرتشتیان (ایران شهر)، ستاره خانم ورثه وکیل الملک، باغ او را به دونفر زرتشتی فروخت و دینیار رستم و رستم فرخ مالک این باغ شدند. در همان دوران تجارت بین هندوستان و ایران رونق گرفته بود و عده ای از تاجران زرتشتی در این زمینه فعالیت داشتند. شهر یزد و کرمان و بم و زاهدان نیز در مسیر تجارت قرار گرفته بودند و تاجری به نام جمشید خدارحم نرسی آبادی پیوسته در این مسیر تردد می کرد. این تاجر و دهشمند زرتشتی تصمیم گرفته بود تا در شهرهای زرتشتی نشین مسیر تجارت، پذیرشگاهی بسازد تا خود و دیگر همکیشان از این

نش کر تیم (به عقب) پ گر تیم ا شروع خیلی داشت
بیم ولی ش کر تیم، نوه شروع کریم ا خیب ش آخر
ورسنیم.

nafakarti:m pegerti:m o foro:xi:bi:
dA:ftabi:m vali: fakarti:m nove foro:xi:
kri:m o xi:b fe A:xar verasni:m

نمی توانیم (به عقب) برگردیم و شروع عالی داشته
باشیم ولی می توانیم الان شروع کنیم و خوب به آخر
برسانیم. (پایان عالی داشته باشیم).

توانتان باشد. اگر برنامه شما منطقی نبوده و بیش از حد دشوار باشد احتمال شکست بیشتر خواهد بود و در نتیجه اعتماد به نفس شما و گروهتان کاهش پیدا می کند.

به تجربیات دیگران توجه کنید. کسانی که کار مشابهی انجام داده اند ممکن است بتوانند راهنمای خوبی برای شما باشند تا اشتباهات آنها را تکرار نکنید. خصوصا در مورد بازار و کسب بازار سوال کنید و به نظرات دیگران توجه کنید.

تدریجی کار کنید. نباید توقع داشته باشید که به سرعت تبدیل به کار آفرین بزرگی شوید. از تولید کم شروع کنید و به تدریج کارتان را توسعه دهید.

اراده و پشتکار قوی داشته باشید. از ادامه دادن خسته نشوید. همیشه تلاش کنید و برای رسیدن به اهداف خود مصمم باشید.

از شکست خوردن نترسید. شکست ها زمینه موفقیت های بعدی را فراهم می کنند. زیرا نقاط ضعف را نشان می دهند و می توان با رفع آنها احتمال موفقیت را بالا برد.

و شاید از همه مهمتر اعتماد و ایمان هست. اگر به خودتان ایمان نداشته باشید دیگران نیز به شما اعتماد نخواهند کرد. پیش بینی های لازم را انجام دهید و شروع کنید. اگر همه جوانب را در نظر بگیرید و به توانایی خود ایمان داشته باشید قطعاً موفق خواهید شد.

نویسنده: فرشید خسروپور

کار آفرینی به اقدام هایی گفته می شود که یک یا چند نفر برای راه اندازی و تاسیس یک کسب و کار با توجه به ایده و افکاری که در ذهن دارند انجام می دهند. افراد کار آفرین باید خلاق و نوآور باشند تا بتوانند موفق شوند و قطعاً جوانان به دلیل قدرت خلاقیت و توانایی بیشتر می توانند کار آفرینان بهتری باشند. اما بهتر است قبل از شروع به نکات زیر توجه شود:

در اولین قدم و مهمترین قدم کار آفرین باید کسب و کار مناسب خود را شناسایی کند. اصلاً لازم نیست ایده خیلی نوظهوری باشد. کافیست ایده ای معمولی را پیدا کنید و ۱۰٪ بهتر از رقیب تان باشید.

اطلاعات تخصصی و تحصیلات خود را بالا ببرید. گرچه داشتن مدرک تحصیلی شرط اصلی کار آفرینی نیست ولی هرچه کار آفرین اطلاعات تخصصی بیشتری درمورد موضوع داشته باشد احتمال موفقیت بیشتر خواهد بود.

ناگفته نماند گرچه تحصیلات باعث افزایش احتمال موفقیت می شود اما به تنهایی عامل موفقیت نخواهد بود و در کنار آن تجربه هم لازم است. کار آفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده اند کسب و کار موفق تری را هدایت می کنند. تشکیل گروه و همکاری با افرادی با تجربه ها و تخصص های متنوع می تواند در این امر به شما کمک کند.

برنامه ریزی برای کسب و کار بسیار مهم است. داشتن برنامه باعث می شود قبل از شروع به کار و حتی در ادامه مسیر نقاط ضعف را پیدا و آنها را رفع کرده و در نتیجه روند پیشرفت کسب و کار را بهبود ببخشید. اما همواره به یاد داشته باشید به گونه ای برنامه ریزی کنید که در حد

فرنگیس: بزقرمه، آش اماج و کباب.

زمرد: گمکت وِکِرِ؟

Zomorrod: komak-ot vekere?

زمرد: کمکت بکنم؟

فرنگیس: دشتت درد نکرِ . ممنون.

Ferengīs: dašt-ot dard nakere. memnūn-e.

فرنگیس: دستت درد نکند! ممنونم.

زمرد: خواهش اِکِرِ.

Zomorrod: hāheš ekere.

زمرد: خواهش میکنم.

فرنگیس: خشت بوت.

Ferengīs: haš-ot büt.

فرنگیس: خداحافظ.

زمرد: خشت بوت.

Zomorrod: haš-ot büt!

زمرد: خداحافظ.

امروز فرنگیس ممنون دار. وین اشوت پر شوم ارید وِکِرِ.

امروز فرنگیس میهمان دارد. او می-رود که برای شام خرید

کند.

emrūğ Ferengīs memūn dāra. vīn ešūt berī šūm erid vekera.

فرنگیس چی اَرین؟

Ferengīs čī erīna?

فرنگیس چه می خرد؟

گویش بهدینی کرمانی بخشی از هویت تکرار ناپذیر ماست که پدران ما آن را به ما سپرده اند. امروز برماست که این گنج بی پایان را به نسل های آینده بسپریم و بنا به جبر روزگار می دانیم که: باید گذاشت و گذشت.

فراگیری گویش بهدینی کرمانی (۲)

درسی د، امروز ممنون دار

dars-ī do: emrūğ memūn dār-
a

درس دو: امروز میهمان دارم

بخشی یک: گف کشمون

baḥš-ī yak: gaf košmūn

بخش یک: گفتگو کردن

فرنگیس: روجکانیک زمرد. چینی؟

Ferengīs: rūğkānīyak Zomorrod. čīnī?

فرنگیس: روز بخیر زمرد، چطوری؟

زمرد: ود نی . ت چینی؟

Zomorrod: vad neye. to čīnī?

زمرد: بد نیستم. تو چطوری؟

فرنگیس: خوب . شوم ممنون دار.

Ferengīs: hūb-e. šūm memūn dāra.

فرنگیس: خوب هستم. شام میهمان دارم.

زمرد: چی اِپشی؟

Zomorrod: čī epešī?

زمرد: چه می-پزی؟

فرنگیس: بز قرم ، اماچو ا کباب.

Ferengīs: Boz-qorma, Omāčū o Kabāb.



هلو	olū	ألو
برگه هلو	gošmolū	گشمَلو
أنار	nār	نار
أنار نارس	konārū	کُنارو
أنبه	emba	امب
أنجیر	enḡir	انجیر
أنگور	engir	انگیر
توت	tīt	تیت
شاتوت	tīt sor, tīt siyā	تیت سُر. تیت سیا
خربزه	ḡiyār	خیار
خربزه نارس	karkū	کَرکو
هندوانه	zomčī	زُمچی
فندق	fendoq	فندق
بادام	vādīm	وادیم
خرما	ormū	أرمو

سبزی	sauzī	سوزی
ترب	tolov	تَلو
تره	gendenā	گندنا
ترخون	talḡun	تَلخون
جعفری	ḡaferī	جَفری
ریحان	reyḡun	رِیحون
شوید	ševiz	شویز
هویج	zardak, aviḡ	زَرَدک، اویج
خیار چنبر	ḡiyār šeng	خیار سَنگ
خیار سبزی	ḡiyār valeng	خیار وِلنگ
شلغم	šelem	شِلغم
چغندر	yavender	یَوَندر
کلم	kalem	کَلم
کاهو	koū	ک او
بادمجان	bādengūn	بادنِجون
کدو	kodī	کُدی
میوه	meyva	مِیو
قیسی	qeysi	قِیسی
زردآلوی خشک، برگه زرد آلو	torošū, toršāla	تُرشو، تُرشال

ألو، ألبالو، سیب، گیلّاس، گلابی، پیاز، سیب زمینی، قارچ هم م
چنِ فارسی هن

ālū, ālbālū, ḡilās, ḡolābī, pīyāz, sīb zamīnī,
qārč hem mo čene Fārsī hen..

ألو، ألبالو، سیب، گیلّاس، گلابی، پیاز، سیب زمینی، قارچ مانند
فارسی هستند.

پیوست فایل شنیداری این نوشتار در تارنماهای ماهنامه اشا به
آدرس:

واتس اپ: <https://chat.whatsapp.com/JPYyDvdGtx8LR2hYmQ2jKf>

تلگرام: <https://t.me/anjomanzk/9>

نویسنده: آرمیتا فرهمند

در دسترس است.

منبع: کتاب درّی زرتشتی (بهدینی) در کرمان

هنگام ورود تیم ماهنامه اشا بخش کودکان به سرپرستی آرین فروهری و باهمکاری بچه های تیم

(روشنک کیومرثی و هلنا گشتاسیان و هلیا گشتاسیان و کیوان بختیاری و رکسانا کیومرثی)، به کلاس حرکات موزون رکسانا کیومرثی در محل باشگاه اردشیر همتی کرمان با تعداد زیادی از بچه ها که با ذوق و شوق فراوان برای حضور در کلاس آمده بودند مواجه شدیم و در این متن خلاصه کوتاهی از صحبت بچه ها را می شنویم: ویانا خداداد کوچکی درباره ی تجربه ای که از اولین جلسه کلاس ژیمناستیک داشت برای ما گفت: گهواره زدم چپه شدم روی خودم از میله تاب خوردم از روی چوب باریک رد شدم.



اسم مربی رو نمیدونم مامانم بهم گفت من یادم رفته کلاس نزدیک به بازی ورزش خودمه که میرم نمیدونم چند جلسه باید برم کلاس ولی میدونم کل تابستون رو باید برم

از کلاس ژیمناستیکم تعریف میکنم برای دوستام که بیان

مصاحبه کننده: هلیا گشتاسیان

آریسا کیومرثی درمورد تجربه ای که از کلاس نقاشی اش داشت برای ما گفت:

اول باید شکل هارو می کشیدم بینم چجوری می تونم بکشم خوب می تونم بکشم یا بد و من نقاشی از کفشدوزک کشیدم و خوب بود.

برای پیشنهاد کلاس نقاشی به دوستانم میگم شکل های خوبی بهمون یاد میدن و باهم نقاشی های خوبی میتونیم بکشیم

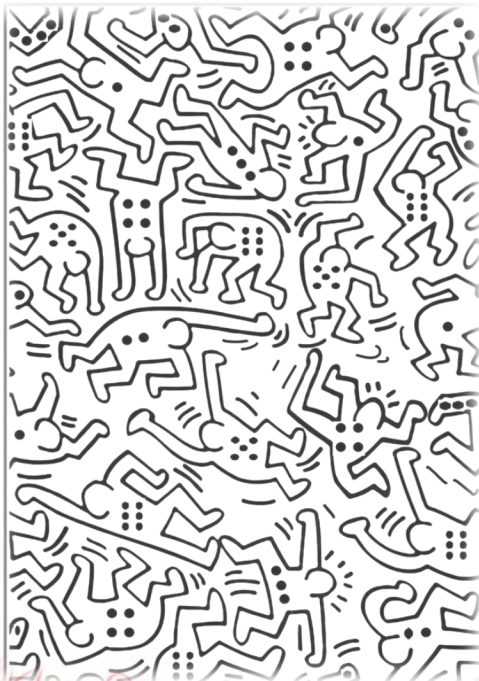
مصاحبه کننده: هلنا گشتاسیان

آریسا کیومرثی



بر اساس تاس های نشان داه در تصویر رنگ آمیزی کنید.

- قرمز
- زرد
- سبز
- آبی
- بنفش
- نارنجی



بنا به روایات زرتشتیان اردایویراف از مقدسین مزدیسنان و معاصر اردشیر بابکان بود که از میان هفت موبد که خود از میان چهل هزار دستور برگزیده شده بودند، انتخاب گردید و به نیایش و خواهش آن مؤبدان ایزدان او را در عوالم معنوی سیر دهند و کار مینو (عالم معنی) و بهشت و دوزخ را بر او روشن کنند و پاداش‌های اعمال نیک و بد را به وی بنمایند. روح اردایویراف در حالی که کالبدش در زمین بود هفت شبانه روز در این معراج به سر برد و چون به کالبد بازگشت، او بیدار شد. دبیری دانا بطلبید تا هر چه دیده بود، بنویسد.

منظومه دیگری که به زرتشت بهرام نسبت می‌دهند، مثنوی «چنگرنگهاجه» است که عنوان آن «قصه چنگرنگهاجه دانای هندی با زرتشت» است.

و گوینده در این قصه پس از ذکر مباحثه میان زرتشت و چنگرنگهاجه هندی و پیروزی زرتشت بر او و گرویدن دانای هندی به زرتشت، نظری کوتاه به تاریخ ایران می‌افکند و پس از اشاره به داستان اسکندر گفتار خود را به تاریخ اردشیر بابکان پایان می‌دهد. در اشعار زرتشت بهرام پژدو اثر ادبیات مذهبی زرتشتیان به شدت آشکار است (روانش شاد).

خداوندا اگرچه ما بدین دَر بسی تقصیر داریم از همه دَر
به وستا دَر نشان دادی تو ما را به پیش آید چنین روزی شما را

نویسنده: میترا خسروی

زرتشت پسر بهرام پژدو از شاعران بزرگ زرتشتی است که در قرن هفتم و در دوران حکومت ایلخانان زندگی می‌کرده است. وی نام و نسبش را در اشعار خویش گفته است که پدرش بهرام پسر پژدو هیربیدی دانشمند و پزشک و ستاره شمر و پارسی دان و پهلوی خوان از مردم کرمان بوده است و پیش از آن که زرتشت به نظم ارداویرافنامه پردازد جهان را بدرور گفته و مادرش در قید حیات مانده بود.

زرتشت در جوانی و گویا در ایام حیات پدر دین دبیری و علوم شرعی زرتشتی و نجوم و هیئت و حساب را فرا گرفته و به شاعری پرداخت و آثار قابل توجهی در ادبیات زرتشتی دوره اسلامی ایران پدید آورد.

چو بودم در جوانی کامرانی همان در شادمانی زندگانی
بخوانده خط ز دین آگاه گشته روانم با خرد همراه گشته
بکرده یشت و گشته هیربید شاد که آن بود از پدر میراث استاد
نجوم و هم حساب احکام اختر ز هر یک شمه‌یی خوانده ز دفتر
برفتی شعر گه‌گاه از بیانم وز آن شادان شدندی دوستانم

زرتشت بهرام در اواسط قرن هفتم در سایه تربیت پدر آماده شاعری می‌شود تا کارهای پر ارزش خود را همچون ارداویراف نامه در نیمه دوم آن قرن به وجود آورد.

اما ارداویرافنامه منظومه‌یست در سرگذشت اردایویراف که زرتشت بهرام پژدو ظاهراً آن را از روی ترجمه فارسی کتاب اردایویراف ترتیب داد.



با برنامه‌ریزی و هماهنگی آرش ضیاتبیری همراه با شماری از هموندان اشا پسین پنج شنبه رهسپار خانه‌ی گوهر همتی شدیم تا دیداری داشته باشیم با جهاندیدگان زرتشتی و پای خاطرات شیرین-شان بنشینیم. کفشهای پرشماری که بیرون در گذاشته شده بود نشان از جمعیت فراوان باشنده و موفقیت کمیته خیریه اردشیر همتی در این راستا بود. نشست با سخنان آرش ضیاتبیری درباره‌ی تاریخ و فرهنگ زرتشتیان آغاز شد، که شیرین تر از چای و شیرینی که برای پذیرایی آماده شده بود کاممان را شیرین کرد.

در ادامه نشستیم پای خاطرات دلنشین جهاندیدگان از دوران مدرسه ویاد میرزا برزو و کشور خانم را گرامی داشتیم. در ادامه شماری از این خاطرات را می‌آورم:

ما که دانش آموز اول دبیرستان ایرانشهر بودیم و تازه غرور جوانی مان گل کرده بود معمولا پیش از اینکه زنگ بخورد هرطور بود از مدرسه فرار می‌کردیم تا در راه دبیرستان کیخسرو شاهرخ که زنگشان را زودتر می‌زدند قرار بگیریم. اما ای دل غافل که همیشه کشور خانم مثل شیرجلو مدرسه ایستاده بود ما که برق کشور خانم را می‌دیدیم پنهان می‌شدیم و دریغا که وی تا همه دانش آموزان را راهی منزل نمی‌کرد نمی‌رفت.

در این میان همه از جذبه‌ی فراوان کشور خانم می‌گفتند.

دیگری می‌گفت در صف صبحگاهی ایستاده بودیم یادم می‌آید که دیر رسیدم و شانه‌ای گرد توی موهایم زده بودم کشور خانم شانه را بیرون کشید و گفت حالا بزن توی سرت.

آن روزها تازه جورابه‌های توری مد شده بود ما سه تا شهناز بودیم که از این جورابه‌ها می‌پوشیدیم ولی کشور خانم اجازه نمی‌داد جوراب توری بپوشیم. لباس فرممان سارافن رنگ تیره تا زیر زانو و جوراب کلفت و بلوز رنگ روشن زیر آن بود اگر سارافونی کوتاه‌تر از اندازه بود پایین آن را کشور خانم باز می‌کرد.

دیگری یادش آمد که تازه آدامس پیدا شده بود و می‌گفت دخترهای سروشیان که هم کلاسمان بودند آدامس می‌جویدند کشور خانم نامشان را صدا می‌زد و می‌گفت سقزت را بینداز. همه درشگفت می‌ماندند که چطور از این همه فاصله‌ی زیاد توانسته بود با تیز بینی ببیند.

می‌گفتند کشور خانم تفاوتی بین فقیر و غنی نمی‌گذاشت یادشان بود که مثلا یک بار پشت بلند گو صدا می‌زده «فرشته مزدیسننا برود خانه جوراب تور توری را عوض کند بیاید.»

با سپاس فراوان از شاه بهرام پارسیا، شهناز نوذری، مهوش نوذری و پروین راوری

نویسنده: آرمیتا فرهنگند

جشن تیرگان

خجسته جشن تیرگان به کوشش کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان به هماهنگی هلیا گشتاسیان و برنامه‌ریزی پارمیدا زنده‌نوش در روز شنبه ۱۰ تیرماه در سالن باغچه بوداغ‌آباد برگزار شد.

این جشن بامراسم سرایش اوستای آبزورنیایش و همراهی موبدان فرهنگ فلاحی، هومن فروهری، ویشتاسب موبد شاهی و مهران شهریاری در محوطه بیرون و در کنار حوض آب باغچه بوداغ‌آباد آغاز گردید. سپس در ورودی سالن آرتمیس کویانی، نیوشا زنده‌نوش و دلسا بختیاری با آئینه، گلاب و شیرینی به همکیشان خوش‌آمد و جشن را شادباش گفتند و نسرين فرهادی و آریتا نوذری، دستبند نمادین این جشن، یعنی تیر و باد را به دست همکیشان عزیز بستند.

برنامه‌های این جشن با نوای دلنشین گات‌ها از سوی پیوند شهریاری و کیوان بختیاری آغاز شد. در همان ابتدا مجری برنامه، کمند کویانی، با سروده‌های زیبا شادی و انرژی خاصی به حاضرین بخشید. سیروس نیکبخش، فرنشین انجمن زرتشتیان کرمان، در سخنانی جشن تیرگان را شادباش گفت و از کمیسیون جوانان که زحمت برگزاری جشن را بر دوش داشتند، قدردانی نمود.

سپس نماهنگ زیبای «آرش کمان‌گیر» که به صورت استاپ موشن به هماهنگی خانم فرزانه آذرگشاسی و با همکاری و کوشش چندین هفتگی اعضای کمیسیون جوانان آماده شده بود، پخش و در آخر با رژه هموندان کمیسیون جوانان به پایان رسید. در ادامه، دکتر آرش ضیاتبیری ضمن شادباش جشن تیرگان، به ایراد سخنرانی پیرامون کیخسرو شاهرخ پرداختند.

پس از آن، برنامه با دو اجرای شادی افزون حرکات موزون به سرپرستی خانم رکسانا کیومرثی و دو اجرای دلنشین موسیقی دونوازی پیگیری شد. همچنین دکتر جمشید روستا، رئیس دانشکده تاریخ دانشگاه باهنر کرمان، نیز جشن تیرگان را به همگان شادباش و درباره فلسفه جشن تیرگان سخن گفتند.

دکلمه زیبای آرش کمانگیر با اجرای مجری برنامه بار دیگر حال و هوای تازه‌ای به سالن و حاضرین در برنامه بخشید. مسابقه‌ای به مجری‌گری کیانا فرهنگمند و آرشام گشتاسیان پایان بخش این برنامه بود. در پایان مراسم نیز، با آشی که از سوی انجمن زرتشتیان زحمت هماهنگی و تدارک آن کشیده شده بود از همکیشان پذیرایی به عمل آمد.

جا دارد بدین بهانه از دکتر کاووس سلاجقه بابت لطف و همراهیشان در تهیه کلیپ نماهنگ آرش کمان‌گیر سپاسگزاری و قدردانی ویژه‌ای نمود.

لازم به توضیح است پیش از این جشن، در روز جمعه ۹ تیرماه مراسم سنتی، خودمانی و شاد آبریزان نیز در دو محل باشگاه اردشیرهمتی و باغچه بوداغ‌آباد به صورت جداگانه با هماهنگی آریین فروهری و پریسا سروشیان و همکاری ارزشمند ماندانا پیمان پیگیری و برگزار شد.



بزرگداشت فردوسی

بنا به تصمیم انجمن زرتشتیان کرمان، آیین بزرگداشت فردوسی در روز سه‌شنبه، ۲۵ اردیبهشت‌ماه، برگزار شد. این برنامه با هماهنگی سیامک ایزدیار، عضو انجمن زرتشتیان کرمان و با همت داوطلبانه جمعی از جوانان کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان (به سرپرستی پشوتن مهران)، در سالن باغچه بوداغ‌آباد از ساعت ۵ پسین آغاز گردید.

آریسا کیومرثی، کوروش نوذری و جمشید کاویانی با آئینه، گلاب و نقل به باشندگان خوش‌آمد گفتند. مراسم با سرایش گات‌ها با خوانش شکیلا شهریاری آغاز شد. در این مراسم، همکیشان، استادان و دوستداران فردوسی و شاهنامه حضور داشتند. مجری این برنامه، خانم آتیا خادمی بود که در ابتدا از آقای سیروس نیکبخش، فرنشین محترم انجمن زرتشتیان برای ایراد سخنرانی خود پیرامون فردوسی و آثارش دعوت نمود. سپس گروه نونهالان فرهنگ دوست کرمانی به سرپرستی خانم میترا خسروی، شاهنامه‌خوانی کردند.

در ادامه، دکتر کاووس سلاجقه درباره تاثیر شاهنامه و داستان رستم و سهراب در ادبیات جهان سخنرانی کرد. پس از آن، گروهی از نوجوانان عزیز کرمانی به سرپرستی میترا خسروی به خواندن شاهنامه پرداختند. دکتر عباس آذرانداز نیز درباره شباهت‌های شاهنامه و متون پهلوی سخن گفت. در ادامه، آرتمیس کاویانی داستان جنگ رستم و سهراب که پیش از این دکتر سلاجقه پیرامون آن صحبت کرده بود را به زیبایی نقلی نمود. سپس، دوستداران فردوسی و شاهنامه، خدایی فردوسی و سبزه صادقی، ترانه‌های زیبایی اجرا کردند. گروه اهورا به سرپرستی فرامرز کامیاب‌پور نیز آهنگ‌هایی را به اجرا گذاشتند.

در پایان، انجمن زرتشتیان کرمان از دکتر سلاجقه، دکتر آذرانداز و گروه‌های شاهنامه‌خوان و اهورا با اهدای هدایایی سپاسگزاری کرد و سپس از مهمانان با آتش پذیرایی به عمل آمد.





اردوی دهه ۶۰

کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان اولین اردو دهه ۶۰ را در کرمان برگزار کرد:

اردوی یک روزه دهه ۶۰ با ایده، پیگیری و به همت کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان برای اولین بار با هدف گرهمایی و تجدید خاطرات شیرین گذشته با حضور ۴۵ نفر از همکیشان شرکت کننده کرمانی، متولد ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹، در روز آدینه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ در باغچه بوداغ آباد با برنامه های مختلف برگزار شد که از میان آن ها می توان به اوستاخوانی، ورزش صبحگاهی، بازی های امدادی و گروهی، بازی های آبی و تئاتر گروهی اشاره کرد.

از نکات قابل توجه این اردو برگزاری آن توسط جوانان با سن پایین تر نسبت به شرکت کنندگان با سنین بالاتر آن بود که هر دو گروه با همدلی هر چه تمام تر، درک و احترام متقابل، بهترین اوقات را برای هم رقم زده و خاطره خوش آن روز برای همگان در ذهن ها ثبت شد. دبیر این اردو رکسانا کیومرثی، برنامه ریز آن، آریومن فروهری، مجری اردو آرش ضیائبری و پزشک اردو هومن کیومرثی بودند. جا دارد از دیگر عزیزانی که در برگزاری این اردو همچون گذشته یاری گر کمیسیون بوده اند تشکر ویژه کرد. باشد که یاد و تجربه و خاطرات شیرین دیروز با همدلی های امروزمان عجین شود اساره رفاقت جاودانه مان را حاصل آورد و پیوند قلبها و نسلها را سبب شود.

کلاس کمک های اولیه

اولین جلسه کلاس کمک های اولیه با هماهنگی هلنا گشتاسببیان و آرش فروهری توسط فرامرزیور عضو محترم اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان و با استقبال جوانان و همکیشان عزیز در روز آدینه ۹ شهریورماه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر برگزار شد.

سرفصل های این دوره عبارتند از:

- ۱- آتل بندی
 - ۲- سوختگی
 - ۳- بانداز، ضرب دیدگی و شکستگی
 - ۴- پانسمان
 - ۵- احیا قلبی-ریوی
 - ۶- گیر افتادن جسم خارجی در بزرگسالان و شیرخواران
 - ۷- کنترل خونریزی ها
 - ۸- مدیریت بیماران تشنجی
 - ۹- مدیریت بیماران حمله قلبی
 - ۱۰- کنترل خونریزی از بینی
 - ۱۱- گرمزدگی
 - ۱۲- کنترل افزایش و کاهش قندخون
- گفتنی است اکثر هزینه برگزاری این دوره توسط باشگاه اردشیرهمتی پرداخت گردیده است.
- جلسه پایانی و دوم این دوره نیز به زودی اطلاع رسانی و برگزار خواهد شد.



اردو مقطع نهم زرتشتیان سراسر کشور

چهارمین اردوی سراسری مقطع نهم زرتشتیان سراسر کشور پس از پنج سال وقفه به دلیل تداخل با زمان شیوع ویروس کرونا شهریورماه امسال به همراهی و همت هموندان کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان و با هماهنگی و دبیری آقای آبتین بختیاری برگزار شد. شرکت کنندگان به همراه دو سرپرست تهرانی و یک سرپرست یزدی ساعت ۲ نیمه شب سه شنبه به محل آتشکده زرتشتیان کرمان رسیدند.

در مجموع ۳۷ شرکت کننده (۱۶ شرکت کننده از تهران، ۱۶ شرکت کننده از یزد و ۵ شرکت کننده نیز از شهر کرمان) در این اردو گردهم آمدند. این اردو در ۴ روز و ۳ شب از روز سه شنبه ۱۲۰ام ساعت ۱۰ صبح آغاز و تا ظهر جمعه ۱۲۳ام شهریورماه ساعت ۱۲ نیمروز ادامه داشت.

شرکت کنندگان به ۴ گروه با اسم و نماد ۴ آخشیح سپندینه (آتش، آب، باد و خاک) تقسیم شدند.

در کنار برنامه‌هایی چون ورزش صبحگاهی، بحث و کار گروهی، چالش‌های متنوع عکاسی، برنامه بازی‌های اردوی امسال با خلاقیت و نوآوری بسیاری پیگیری شد تا آنجا که تلاش شده بود تا در هر مرحله با ایجاد فضایی مهیج و گیرا با طراحی طیف متنوعی از سوالات، معماها و مسابقات، انواع مهارت‌های تحلیلی، منطقی، ریاضی، هوش، بدنی و ورزشی، اطلاعات عمومی دینی-تاریخی و نیز روحیه کار تیمی در شرکت کنندگان به چالش کشیده شود و تقویت گردد.

از جمله برنامه‌های آموزشی که برای شرکت کنندگان این اردو تدارک دیده شده بود می‌توان به بازدید از موزه و آتشگاه زرتشتیان کرمان همراه با روایت‌های شیرین و آموزنده آرش ضیاتبهری پیرامون تاریخ زرتشتیان قدیم کرمان، رصد و کاوش ستارگان و سیاره‌های آسمان شب توسط تلسکوپ و عینک‌های نمایش سه بعدی و آموزش عکاسی در شب، دوره روانشناسی و سازنده آموزش مهارت‌های ارتباطی به همراهی دکتر فرشید خسروپور، برگزاری کلاس‌های ایستگاهی کمک‌های پزشکی اولیه (به مربیگری هومن کیومرثی)، آشنایی با انواع سازهای موسیقی (به مربیگری آریابرز غیبی)، ساخت کاردستی یادگاری (به مربیگری خانم رکسانا کیومرثی) و نیز دوره آشنایی با انواع شاخه‌های هنر تئاتر در قالب کلاسی عملی اشاره کرد.

همچنین شرکت کنندگان این اردو در این مدت از دو مکان گردشگری و تاریخی کرمان باغ شاهزاده ماهان و باغ فتح آباد کرمان دیدن نمودند و نیز ساعتی را در باغچه بوداغ آباد کرمان برای تهیه و صرف ناهار و انجام برخی بازی‌های آبی سپری کردند.

از جمله لحظات شیرین و به یادماندنی این اردو سر دادن شعار کاملاً خود جوش، هماهنگ و مبتکرانه «آب، آتیش، خاک و باد... همه با هم اتحاد» بود. شعاری که تنها در کلام باقی نماند و در عمل بالغانه شرکت کنندگان اردو خود را نمایان ساخت؛ نه فقط در هنگام هم‌آزوری برای حل پازل بازی و ورود به دروازه زمان، بلکه در هنگام مشارکت جمعی و «داوطلبانه» برای همراهی با تیم برگزاری در انجام کارهای مربوط به اردو نیز به زیبایی نمود پیدا کرد.



در اینجا جا دارد از عزیزانی چون آبتین و روزبه آذرگشاسبی، نسرين فرهادی، رامین کیومرثی، آریابرنز غیبی، آبتین زندخاوری، وفا دینیاریان و بهزاد بهزادی که از راه دور و نزدیک راهنما و یاری‌رسان برگزارکنندگان و اعضای کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان در هر چه بهتر برگزارشدن این برنامه بودند نیز سپاسگزاری و قدردانی ویژه‌ای نمود.

در پایان بایسته است از انجمن محترم زرتشتیان کرمان به دلیل در اختیار قرار دادن محل آتشکده زرتشتیان کرمان با تمامی امکانات و تجهیزات لازم و نیز حمایت معنوی و قبول تمامی بار مسئولیت‌های برگزاری این اردو، موسسه محترم خیریه ارباب اردشیر همتی به دلیل حمایت مالی تمام و کمال از این برنامه همچون سالیان گذشته، سازمان دلسوز زنان زرتشتی کرمان، جناب آقای جهانگیر فرزانه عزیز و نیز جناب آقای ماهیار رستمی بخاطر فراهم نمودن نهار و شام شرکت‌کنندگان اردو، رشید بختیاری عزیز به شوند در اختیار گذاردن تمامی امکانات و فضای باغچه بوداغ آباد و در نهایت فرزند نیکدین بخاطر حمایت همیشگی‌شان از کمیسیون جوانان زرتشتی کرمان تشکر و قدردانی نمود. ارگان‌ها و عزیزان بزرگواری که بدون همراهی و یاری آنان تصور برگزاری این اردو با چنین کیفیتی ممکن و میسر نبود.

روح پاک ارباب اردشیر همتی بزرگ در آرامش، بهشت برین جایگاهش، راهش پر رهرو باد...



